



بررسی اهمیت سازمان‌های غیردولتی در گفت‌وگو با «حسین ایمانی جاجرمی»

نهادهای غیر دولتی، فرصتی برای جلب اعتمادعمومی

دوشنبه ۹ تیر ۱۳۹۹_ ۷ذیقعه ۱۴۴۱_ ۲۹ ژوئن ۲۰۲۰

۱۴۴مورد فوتی جدید در گزارش

دیروز سخنگوی وزارت بهداشت

موج سنگین کرونا و اجبار استفاده از ماسک

همدلی | صحبت‌های روز گذشته رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت وقتی که گفت «در موج سنگین کرونا به سر می‌بریم» زمانی بهتر درک شد که سخنگوی این وزارتخانه از آمار تعداد افراد مبتلا و مرگ ناشی از کرونا سخن گفت؛ شناسایی ۲۴۸۹ بیمار جدید کووید۱۹ در کنار ۱۴۴ بیمار جان باخته تنها در یک روز، می‌تواند از نشانه‌های بازگشت به روزهای اوج شیوع این ویروس در ایران باشد...

نگاهی به اوضاع فعالان موسیقی خیابانی در گفت‌وگو با برد یا کیارس و میثم ندافیان

نت‌هایی که در پیاده‌رو شنیده‌نمی‌شود

همدلی | شاید کسی به این صراحت حاضر نباشد بگوید که در این ایام برویجهایی فعال در زمینه موسیقی خیابانی، به‌ششم مسئولین و برخی از مردم با‌نگه‌هایی که در شأن آنها نیست، قضاوت می‌شوند. جالب این‌که حال و روز آنها وقتی کرونایی به ایران نیامده بود و در اصطلاح می‌شد اوضاع را گل و بلبل توصیف کرد، هم عجیب و غریب بود.

دختر سردار سلیمانی با چه کسی ازدواج کرد؟

ضرغامی چراغ اول انتخابات ۱۴۰۰ را روشن کرد

همدلی

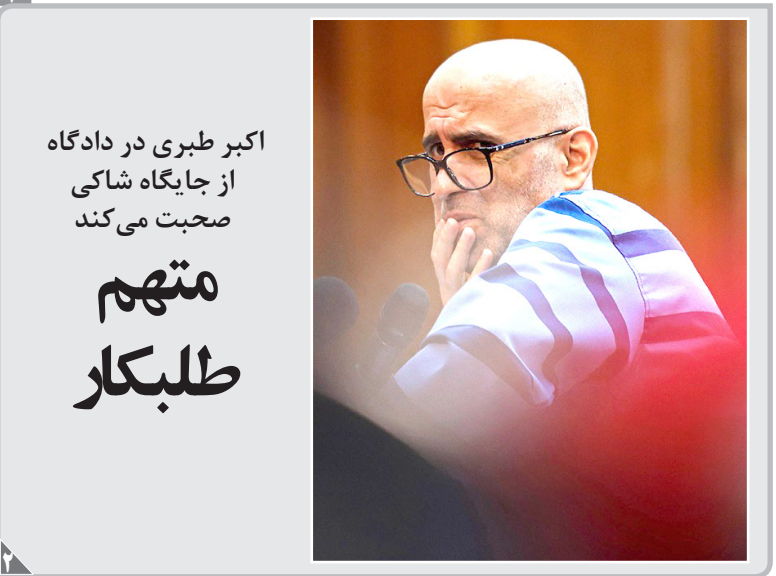
روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صبح ایران

رئیس جمهور، مجلس را به آرامش دعوت کرد

تب تند بهارستان

همدلی | در حالی که تهدید دولت از سوی مجلسی‌ها روندی افزایشی به خود گرفته است، در آن سو اما دولت، زمان را مناسب دعوای نمی‌داند. این در حالی است که رویارویی مجلس یازدهم با دولت و مسائلی از جمله طرح سوال از روحانی یا احتمال استیضاح او، حتی پیش از شکل‌گیری مجلس یازدهم به برخی گمانه‌زنی‌ها در رابطه با دستور کارهای اولیه آن، تبدیل شده بود. با این وجود به نظر می‌رسد هر چه جدیت مجلسیان در انتقاد از عملکرد دولت بیشتر می‌شود، دولت نیز گامی به عقب می‌گذارد و تمام تلاش خود



اکبر طبری در دادگاه از جایگاه شاکلی صحبت می‌کند

متهم طلبکار

محمد مهاجری، فعال سیاسی و رسانه‌ای اصول‌گرا در گفت‌وگو با «همدلی»:

بخش مهمی از اصول‌گرایی دچار «تحجر» است



سرمقاله

دولتِ تنها



■ محسن خرامین

■ روزنامه نگار

«استانداران باید خدمات استانی و منطقهای دولت را برای مردم تشریح و تبیین کنند.» این بخش کوتاهی از سخنان حسن روحانی در جمع استانداران کشور در جمعه هفته گذشته بود. این نوع درخواست به همراه گلایه مستتر در آن در طول هفت سال گذشته بارها تکرار شده است و نشان می‌دهد دولت روحانی یکی از تنهاترین دولت‌ها در طول تاریخ چهل سال گذشته است. این‌س موضوع بیش از هر چیز به فقدان پایگاه سیاسی این دولت بر می‌گردد. دولت ابتدا خود را در جایی میانه جریان‌های سیاسی کشور تعریف کرد و منشی خود را اعتدالی عنوان کرد. جریان‌های سیاسی نیز هیچ کدام این دولت را از خود نمی‌دانستند و این در حالی بود که مدیران دولت بیش از آنکه ریشه در گفتمان ادعایی دولت داشته باشند، متعلق به دو جریان اصلی سیاسی کشور و به‌ویژه اصلاحات بودند. این دولت از آغاز تاکنون، کم‌ترین مدافعان را حتی از درون خود داشته است. بار دفاع و تعریف و تمجید از دولت تنها بر دوش رئیس جمهور بوده است و در بسیاری موارد وزرا و معاونین حتی از اظهار نظر در موضوعات مربوط به حوزه کاری خود نیز امتناع ورزیده‌اند.

ادامه در همین صفحه

ادامه سرمقاله

دولتِ تنها

این تنهایی اکنون و با نزدیک شدن به پایان عمر دولت در حال شدت گرفتن است. وزرا و مدیران دولتی عمر این دولت را به سر آمده می‌دانند و به جای حرکت در مسیر سیاست‌های دولت در پی جلب رضایت نیروهای مخالف و به‌ویژه نمایندگان جدید مجلس هستند.

مورد دولت حسن روحانی و فقدان پایگاه سیاسی و- به تبع آن - اجتماعی‌اش را می‌توان یک درس مهم در شناخت تحولات سیاسی کشور دانست. دولت‌ها در ایران با وعده‌های اصلاح‌گرایانه بر سر کار می‌آیند و شروع به گفتمان‌سازی می‌کنند اما خیلی زود دستن خود را به نشانه تسلیم و ناتوانی در حد یک تدارکات‌چی بالا می‌آورند.

علاوه بر این در تاریخ سیاسی ایران و از همان بدو ورود نهاد دولت به عنوان یک پدیده مدرن و شاید هم در امتداد بخش‌هایی از حکمرانی قدیمی‌تر در ایران، این نهاد از کمترین قدرت و اختیار برخوردار بوده است. حاکمیت مرکزی معمولاً به دولت‌ها به عنوان یک سیر بلا و ابزار پیش‌برد برنامه‌های خود نگاه می‌کردند و کمترین استقلال را برای آن در نظر می‌گرفتند.

نگاهی به سرنوشت همه دولت‌های بعد از انقلاب و اتفاقاتی که برای بالاترین مقام آنها رخ داد، به‌خوبی بیانگر اختلافاتی است که از درون تناقضات مجموعه دولت با نهاد بزرگ‌تر از خود یعنی حاکمیت پیش آمده است. دولت در ایران را باید جزء کوچکی از تعریف کلاسیک نهاد دولت در تاریخ اندیشه سیاسی دانست. دولت اسمی در ایران نه تنها کارویژه‌های نهاد کلاسیک دولت را ندارد که گاهی به عنوان یک مزاحم و انحراف برای این نهاد نیز به حساب می‌آید.

تجربه‌های مختلف دولت‌ها در ایران نشان می‌دهد این نهاد از کمترین توان و قدرتی برخوردار است. از مجموعه دولت تنها چند جایگاه مدیریتی و فرصت اقتصادی برای برخی‌ها دارای اهمیت بوده است که این فرصت‌ها هیچ تعهد و وابستگی برای مدیران و نیروهای دولت ایجاد نمی‌کند و تنها سبب وابستگی بیشتر مدیران به این جایگاه‌ها و تقلا برای ماندن و حفظ آن حتی به قیمت چرخش‌های سیاسی و جناحی می‌شود.

مدیران، دولت‌ها را گذرا و بدون پایگاه قوی می‌دانند و همیشه در پی وصل شدن به کانون‌های قدرتمندتر هستند. به همین دلیل اتفاقاتی همچون استعفاي دسته‌جمعی وزرای دولت نهم احمدی‌نژاد یا موضوع عزل مصلحی وزیر اطلاعات و اتفاقاتی همچون برخورد دفتر روحانی با وزیر بهداشت رخ می‌دهد که قبل از آن نیز در مورد چند وزیر دیگر و حتی محمدجواد ظریف نیز پیش آمده بود.

بر اساس رویه ضعیف‌تر شدن نهادهای و دستگاه‌ها در مسیر حرکت تاریخی در ایران، دولت حسن روحانی به وضعیت پرتناقض و پر فشار امروز رسیده است و در بخش زیادی از افکار عمومی از این دولت همچون مجلس دهم به عنوان ضعیف‌ترین‌ها یاد می‌شود، در حالی که نشانه‌ها گواه ادامه و حتی تشدید این ضعف در دولت آینده و تضعیف در مجلس فعلی است. در شکل‌گیری این وضعیت در کنار عوامل همیشگی و رویه «دولت‌زنی» که مرسوم شده است و هم چنین فشارهای بیرونی، بخش بزرگی از این ضعف به خود دولت اعتدال و شعارهای و سیاست‌های آن بر می‌گردد. دولتی که می‌خواست اعتدال سیاسی در کشور ایجاد کند اما نمی‌دانست این اعتدال به بهای حذف و از بین رفتن تمام پایه‌های خود منجر خواهد شد.

به احتمال زیاد یک سال آینده یا دولت در بیرون مدام تا آستانه ریزش فرو خواهد رفت و مصلحت‌ها جلوی آن را خواهد گرفت یا آن که یک اتفاق کاملاً جدید پیش خواهد آمد و برخی نهادها و به‌ویژه مجلس یازدهم برای مانور و خودی نشان دادن، حسابی حالی از دولت دوازدهم خواهند گرفت.

ریاست بدون ماسک

همین شیوه تقریباً به یک سبک رفتاری میان روسا تبدیل شد. همان وزرایی که در هیات دولت ماسک می‌زدند و خیلی بهداشتی با دستکش می‌نشستند وقتی به وزارتخانه خود بر می‌گشتند و با معاونین و کارمندان جلسه برگزار می‌کردند و در راس جلسه حاضر می‌شدند ماسک را بر می‌داشتند. الان آقای هست که این شیوه در بین روسا دنبال می‌شود. مثلاً وقتی جهانگیری بارها دیده شده که در جلسات هیات دولت با ماسک می‌نشیند ولی در جلساتی که خودش ریاست جلسه را بر عهده دارد ماسک را بر می‌دارد، ولی بقیه ماسک می‌زنند. سایر وزرا هم همین سبک را حفظ کرده‌اند. البته این شیوه ریاست بدون ماسک فقط مختص به دولت نیست، سایر نهادها و دستگاه‌ها هم همین شیوه را دنبال کرده‌اند. مثلاً در نشست سراسری قوه قضائیه، همه حضار ماسک داشتند به جز رئیس دستگاه قضا. نه این‌که داشته باشند و برای سخنرانی آن را پایان کشیده باشند، کلاً ماسکی به صورت نداشتند.

جدای از این برخی مسئولان چه رئیس جلسه باشند، چه رئیس جلسه نباشند، کلاً رفتار دوگانه‌ای را نسبت به ماسک در پیش گرفته‌اند. در حالی که در برخی جلسات ماسک استفاده می‌کنند، در جلسات دیگری به شکلی می‌نشینند که گویی اصلاً کرونایی در کار نیست.

مثلاً چند وقت پیش که جلسه شورای نگهبان برگزار شد هیچ کدام از حاضرین این جلسه طبق تصاویری که در خروجی خیرگزاری‌ها قرار گرفته، از ماسک استفاده نکردند. به‌رحال این رفتار متناقض مسئولان در رعایت پروتکل‌های بهداشتی، اراده مردم را نسبت به استفاده از ماسک و رعایت دیگر نکات بهداشتی نسست می‌کند. از جمله این رفتارها دیروز رئیس جمهوری اعلام کرد که همه باید از ماسک استفاده کنند. حسن روحانی دیروز در حالی که در یک سالن اجتماعات سروپوشیده نشسته بود و از ماسکی هم استفاده نمی‌کرد این را گفت و تاکید کرد که استفاده از ماسک باید اجباری شود.

استاندار تهران اعلام کرد

تالارها برای برگزاری مراسم عروسی نباید اجازه فعالیت باشند

استفاده می‌کنند؛ البته عدم رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و حجم زیاد مسافر در انتقال چرخه بیماری اثرگذار است و بایستی ناوگان حمل و نقل عمومی و اتوبوس را افزایش دهیم . محسنی‌بندی خاطرنشان کرد: سامانه نظارت‌های مردمی در ارتباط با نحوه نظارت بر فعالیت‌های مختلف در شرایط کرونا این هفته در استان تهران راه اندازی می‌شود چرا که بهترین و اثرگذارترین اقدام، کمک گرفتن از مردم در ابعاد نظارتی است. بنا بر گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی استانداری تهران، بندی در مورد فعالیت شهربازی‌ها گفت: فعالیت در فضای باز با رعایت پروتکل‌های بهداشتی مشکلی ندارد، مشکل عمده در محیط‌های بسته است چرا که شیوع بیماری در محیط‌های بسته زیاد است، همچنانکه طبق نظر سازمان بهداشت جهانی ذرات بیشتر در هوا معلق هستند و از طریق تنفس منتقل می‌شوند، از این رو مدت زمان حضور در محیط‌های بسته باید کمتر باشد و فاصله یک و نیم تا دو متری باید رعایت شود.

یادداشت ۲

■ مهدی روزبهبانی

■ روزنامه‌نگار

در ایران تلاش می‌شود تا همه امور مربوط به شخص رئیس متفاوت باشد؛ حتی آسانسور. اگر در وزارتخانه‌های مختلف دقت کرده باشید مسیری که یک وبزیر یا یک مدیر کل طی می‌کند و وارد اتاقش می‌شود از باقی کارکنان جداست. این جداسازی و اختصاصی کردن در همه زمینه‌ها دیده می‌شود. روسا معمولاً صندلی و حتی اتاق متفاوتی هم دارند. حالا همین متفاوت بودن به ماسک هم رسیده است. از وقتی که ویروس کرونا وارد ایران شد و در ایران هم مثل خیلی از کشورها شیوع پیدا کرد کم‌کم بر رفتار و سبک زندگی همه تاثیر گذاشت از جمله بر رفتار روسا و کسانی که در اداره یا وزارتخانه‌ای مسئولیت بالاتری دارند.

آن اوایل کمی سردرگمی وجود داشت. هنوز خیلی معلوم نبود که کجا باید ماسک زد، کجا نباید. اصلاً لازم هست که همه جا ماسک باشد یا نه؟ رئیس ماسک بزند بهتر است، یا ماسک نزند؟ اما کم‌کم مشخص شد که چه کسی باید چه کار کند. رئیس جمهوری که از همان اول تکلیف خودش را مشخص کرد؛ با این‌که خیلی‌ها می‌گفتند باید ماسک استفاده کرد، ولی ایشان علاقه‌ای به ماسک نشان نداد.

بعد در جلسات هیات دولت که در سالن بزرگ‌تری برگزار می‌شد، وزرا با فاصله کنار هم نشستند، ولی با توجه به این‌که کرونا خیلی مسئولیت نمی‌شناسد و سراغ بزرگ و کوچک می‌رود، در نتیجه لازم دیدند که وزرا هم از ماسک استفاده کنند. در نتیجه این شد که در جلسات هیات دولت هم همه وزرا ماسک به صورت نشستند، ولی باز رئیس جمهوری فاصله خود را از وزرا بیشتر کرد و حاضر نشد که از ماسک استفاده کند.

یادداشت ۱

دلار ۲۰ هزار تومانی نتیجه مذاکره با آمریکا است؟



■ شیرزاد عبداللهی

■ روزنامه‌نگار

روزنامه کیهان دلار حدود ۲۰هزار تومان، سکه بیش از ۸ میلیون و پراید حدود ۹۰ میلیون تومان را میوه برجام دانسته و تیزتر زده؛ دلار ۲۰هزار تومانی در کنار افزایش قیمت اجاره‌بها و خرید مسکن و همچنین گرانی اقلام خوراکی و افزایش افسارگسیخته قیمت خودرو و سکه و لوازم خانگی و... همه نتیجه مذاکره با آمریکاست و به کسانی تاخته است که مدعی‌اند برای برون‌رفت از وضع موجود باید سیاست «ترمش قهرمانانه» را پیاده کرد و مذاکره با آمریکا را کلید بزнім. از همان دهه ۶۰ این دو نظریه انقلابی و دیپلماتیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به موازات هم وجود داشته است. «مدعیان اصلاحات» در سال ۸۴ به طور رسمی از حاکمیت اخراج شدند و درسال ۸۸ بسیاری از فعالان آن به زندان افتادند و حداقل در ۱۵سال گذشته نقشی در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی نداشته‌اند.

حمایت اصلاح طلبان از حسن روحانی هم «ائتلاف سیاسی» نبود.

آنها برای این‌که یک اصول‌گرای دواآتشه روی کار نیاید از روحانی حمایت کردند. این سیاست هم شکست خورد. برجسته کردن یک رقیب دست و پا بسته و بی‌قدرت، یا وجود کارگزارانی تکنوکرات اما مطمع، که بتوان همه تقصیرها را گردن آنها انداخت، مورد علاقه اصول‌گرایان افراطی است. حتی اگر چنین جریان یا افرادی وجود نداشته باشند، آنها را خلق می‌کنند. به نظر می‌رسد این دوگانه‌سازی‌های تخیلی، برخلاف گذشته جاذبه‌ای برای شهروند عادی و گرفتار فاجعه تورم و کاهش ارزش پول ملی، فارغ‌التحصیل بیکار دانشگاه و میلیون‌ها نفر که بر اثر بیماری کرونا شغل و درآمد خود را از دست داده‌اند، حتی طبقه سیاسی جامعه هم دیگر علاقه‌ای به دنبال کردن این مباحث دور و دراز ذهنی و بازی با کلمات را ندارد.

کیهان واقعیت را گفته است:«دلار حدود ۳ هزارتومان، سکه حدود یک میلیون تومان و پراید حدود ۲۰ میلیون تومان بود. اکنون... دلار حدود ۲۰ هزار تومان، سکه بیش از ۸ میلیون و پراید حدود ۹۰ میلیون تومان است.» اما در توضیح دلایل آن بیراهه رفته است. اگر این فاجعه اقتصادی را به امضای توافق برجام یا خروج آمریکا از برجام نسبت دهیم، معنایش این است که اخم یا لبخند روسای جمهوری آمریکا و متحدان اروپایی آمریکا می‌تواند ارزش پول ملی ما را ۸ برابر کاهش دهد! یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی که خیلی روی آن تاکید می‌شود «استقلال» است.

استدلال کیهان در نسبت دادن کاهش ارزش ریال و تورم و گرانی به اقدامات اوپاما و ترامپ چه نسبتی با مقوله «استقلال» دارد؟ وقتی ما نمی‌توانیم نفت خود را آزادانه بفروشیم، وقتی در انتقال پول‌های خود، حتی از کشورهای دوست مانند چین و هند و کره جنوبی، به داخل کشور مشکل داریم، وقتی که برای خرید کالا حتی مواد غذایی و دارو، به مجوز آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان نیاز داریم، وقتی ارزش پول ملی ما روزبه‌روز کاهش می‌یابد، چگونه می‌توانیم از استقلال حرف بزنیم؟ آیا استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی معنا دارد؟

تیزتر کیهان «دلار ۲۰ هزار تومانی، میوه مذاکره با آمریکااست.» غلط و در تضاد با واقعیت است. اگر بپذیریم که: «دلار ۲۰هزار تومانی، میوه مذاکره با آمریکااست» منطقا باید بپذیریم که افزایش تنش با آمریکا، باعث کاهش قیمت دلار و سکه و پراید می‌شود. اما واقعیت چیز دیگری می‌گوید. حداقل در ۲۰ سال گذشته، هر زمان که احتمال مذاکره ایران و آمریکا بالا رفته است، قیمت دلار پایین آمده و هر زمان که روابط ایران و آمریکا به سمت تنش بیشتر رفته، قیمت دلار و سکه و خودرو و...بالاتر رفته است. اگر همین فردا کیهان تیزتر بزند که:«ظریف هفته آینده با پمپئو ملاقات می‌کند» احتمالاً قیمت دلار به ۱۲-۱۳ هزار تومان سقوط می‌کند. مشکل کیهان این است که با تحلیل‌های ۵۰-۶۰ سال پیش جهان سومی‌های ضد امپریالیست دوره جنگ سرد می‌خواهد مسایل امروز دنیا را توضیح دهد و تبیین کند.

جاه‌طلبی‌های آزمانی و ایدئولوژیک در عالم انتزاع بسیار خوب و دلپذیر است، اما در عالم واقع، تبدیل به کابوس‌های هولناک می‌شوند.